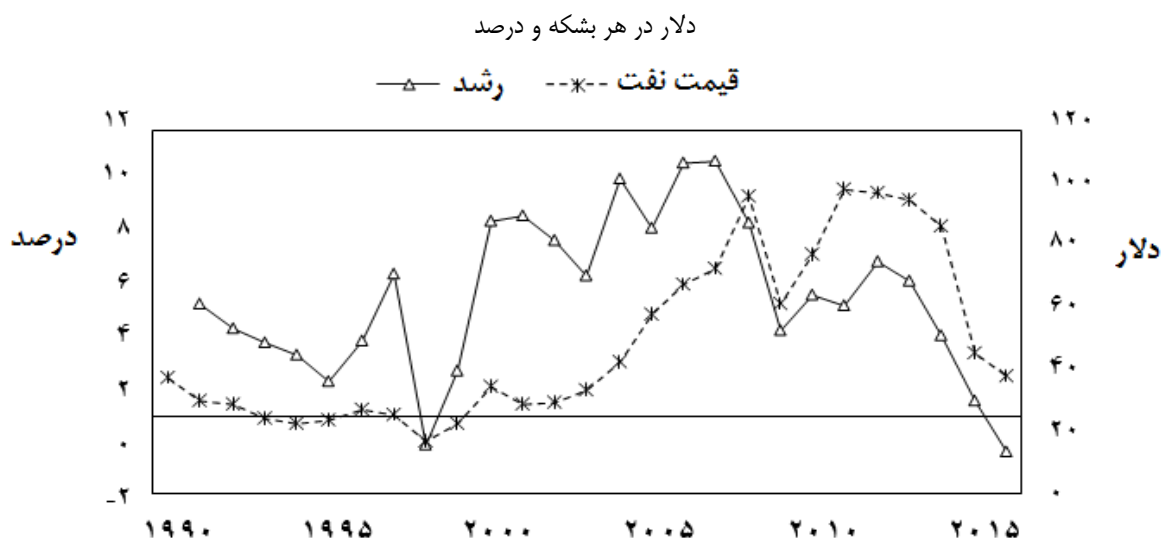


## اثرات شوک های قیمت نفت بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت

تغییرات قیمت جهانی نفت پیامدهای مهمی برای رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت دارد (شکل ۱). این تغییرات به دلیل اثرات آن بر رشد، همواره موجب نگرانی اقتصادهای صادرکننده نفت به خصوص زمانی که این تغییرات از طرف تقاضا بوده، شده است. به عنوان مثال؛ کاهش قیمت نفت به علت کاهش رشد اقتصاد جهانی و پیشرفت های تکنولوژیکی، موجب شده تا وابستگی واردکنندگان نفت به واردات نفت را کاهش دهد. مطالعات اخیر نشان می دهد که محرک ایجاد شوک های قیمتی نفت بیشتر از سمت تقاضا است و طی دوران اخیر به طور قابل ملاحظه ای اختلالات عرضه به عنوان محرک موقت و کم اثر تغییر قیمت های نفت، کاهش یافته است. علاوه بر این، پیش بینی های میان مدت و بلند مدت هیچ نشانه ای از بهبود قیمت نفت در آینده ندارد.

شکل ۱: روند متوسط<sup>۱</sup> قیمت واقعی نفت و متوسط رشد واقعی غیرنفتی



منبع: IMF

در حال حاضر قیمت نفت، نسبت به سطوح مشاهده شده طی دهه ۲۰۰۰ نسبتاً پایین است و چشم انداز امیدوارکننده ای برای یک بازه بلند مدت که تامین کننده ثبات اقتصادی و حافظ رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت باشد، وجود ندارد. در نتیجه برای کشورهای صادرکننده نفت، شناسایی نحوه اثرگذاری شوک های برونزای قیمت نفت بر اقتصاد، موضوعی حیاتی است و مهم تر اینکه این اقتصادها نیاز دارند تا بدانند از چه ابزارهای سیاستی باید استفاده کنند که نه تنها بتوانند در کوتاه مدت اقتصاد را از شوک های نامطلوب محافظت کنند، بلکه در بلندمدت نیز قادر باشند اقتصادی مستقل (عدم وابسته به نفت)، متکی به توانمندی های بخش خصوصی و همچنین اقتصادی متنوع ایجاد نمایند.

<sup>۱</sup> - متوسط ساده بهای نفت خام سه منبع: نفت برنت، وست تگزاس و دوبی فاتح



مطالعات نشان می‌دهد که سیاست مالی، مکانیزم اصلی انتقال شوک قیمت نفت در کشورهای صادرکننده نفت است و اعمال سیاست‌های ضد چرخه‌ای<sup>۲</sup> می‌تواند اقتصاد را از شوک‌های قیمتی نفت محافظت نمایند.

همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های مالی در کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت معمولاً موافق چرخه‌ای<sup>۳</sup> هستند یعنی وضعیت مالی در طول دوره رونق قیمت نفت به دلیل انبساط (انقباض) در هزینه‌های دولتی، بدتر می‌شود (و یا زمانی که قیمت نفت کاهش می‌یابد، بهبود می‌یابد). هزینه‌های دولت یکی از ابزارهای سیاست مالی کلیدی در دسترس، برای کشورهای صادرکننده نفت است.

در اکثر کشورهای صادرکننده نفت، درآمد نفت یا در یک صندوق مستقل ذخیره می‌شود (زمانی که قیمت نفت بر اساس سابقه تاریخی آن نسبتاً بالا بود، به عنوان مثال، طی سالهای ۲۰۱۰-۲۰۰۰ قبل از بروز بحران مالی جهانی) و یا برای تامین هزینه‌های دولتی استفاده می‌شود. بنابراین، یک ارتباط مستقیم بین بهای نفت و هزینه‌های دولت در کشورهای صادرکننده نفت وجود دارد.

با این حال، علی‌رغم اینکه دولت‌ها، در کشورهای صادرکننده نفت، بخشی از هزینه‌های خود را از طریق درآمد مالیاتی تامین می‌کنند، چنین فرضیه‌ای صحیح به نظر نمی‌رسد که هزینه‌های دولتی بالاتر به معنای اتکای بیشتر به درآمدهای نفتی و در نتیجه تأثیر پذیری بیشتر از شوک‌های قیمتی نفت است.

در مقاله‌ای که در سایت صندوق بین‌المللی پول برای اطمینان یابی از این که اندازه دولت یک معیار مناسب از میزان مواجهه با شوک‌های قیمتی نفت است، انجام شده، اندازه دولت معادل با نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی (غیر نفتی) تعیین شده و روند تغییرات هزینه‌های دولت با تولید ناخالص داخلی غیر نفتی کشورها با هم مقایسه شده است.

به عنوان مثال، اگر فرض شود که هزینه‌های دولت بالا است ولی این امر عمدتاً با درآمد مالیاتی تامین می‌شود، به این معنی است که بخش غیر نفتی نیز بزرگ است و بنابراین نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی غیر نفتی نمی‌تواند بزرگ باشد.

در مقاله مذکور، تأثیر اندازه دولت بر نحوه واکنش تولید غیر نفتی و مخارج دولت به شوک‌های نفتی برای ۲۸ کشور صادرکننده نفت بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

برای آزمون اینکه آیا داده‌ها از این فرضیه که اندازه دولت می‌تواند واکنش تولید غیر نفتی را نسبت به تغییرات قیمت نفت تغییر دهد، پشتیبانی می‌کند یا خیر، نمودار رشد غیر نفتی در مقابل قیمت واقعی نفت در شکل ۲ رسم شده است.

<sup>۲</sup> Counter-cyclical policies سیاست‌های مالی است که موافق با جهت تغییر درآمدهای نفتی اعمال نمی‌شود و به عبارتی دیگر همراه با رشد درآمدهای نفتی، مخارج دولت افزایش نمی‌یابد و بالعکس. از مصادیق سیاست‌های ضدچرخه‌ای کاهش مخارج دولت به همراه افزایش مالیات در دوره رونق و افزایش مخارج به همراه کاهش مالیات در دوره کساد است.

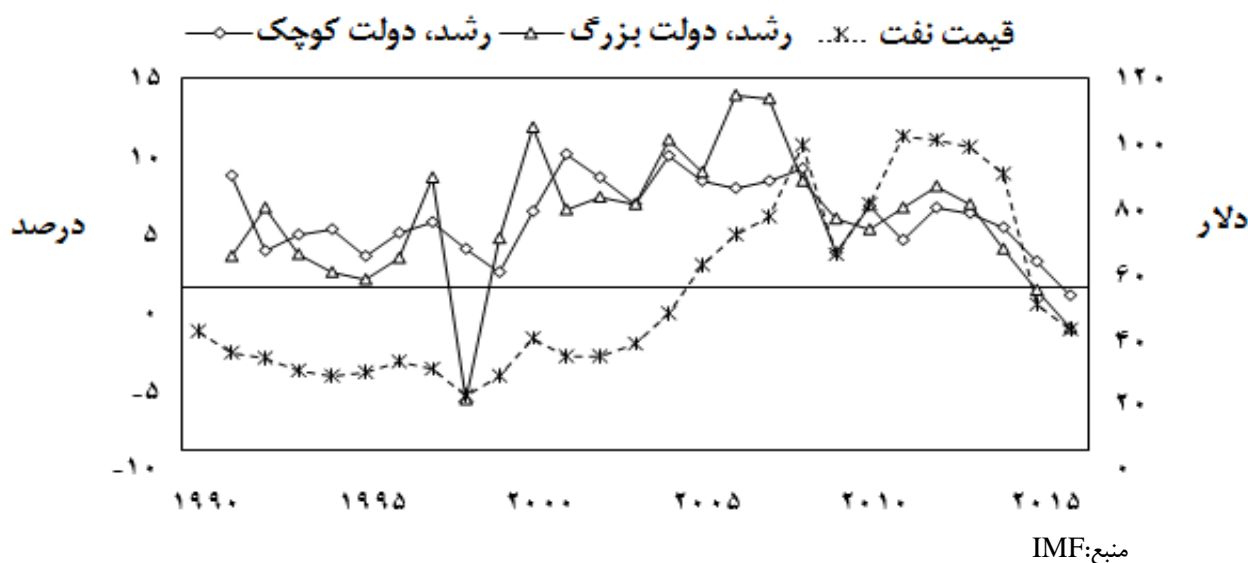
<sup>۳</sup> Procyclical fiscal policy

<sup>۴</sup> در این مقاله، مسئله عدم تقارن در واکنش تولید غیرنفتی نسبت به شوک‌های قیمتی مثبت و منفی نفت در نظر گرفته نمی‌شود و فرض می‌شود که واکنش‌ها متقارن هستند.

به جای محاسبه میانگین رشد غیر نفتی برای نمونه کامل (شکل ۱)، در شکل ۲، نمونه به دو قسمت دولت بزرگ و دولت کوچک تقسیم شده است. دولت کوچک مربوط به مشاهدات سالیانه کشوری است که متغیرهای محاسباتی آن کوچکتر از میانگین نمونه بوده و دولت بزرگ مربوط به مشاهدات کشوری است که متغیرهای آن بزرگتر از میانگین نمونه است. شکل (۲) نشان می‌دهد که واکنش رشد غیر نفتی (برای نمونه‌ای که دولت بزرگتر می‌باشد) در برابر شوک‌های قیمتی نفت، قوی‌تر است.

شکل ۲: روند رشد قیمت نفت و رشد غیر نفتی در نمونه کشورهای صادرکننده نفت

دلار در هر بشکه - درصد



نتایج نشان می‌دهد که اگر اندازه دولت بزرگ باشد، رشد غیر نفتی، تمایل دارد در واکنش به شوک مثبت قیمت نفت، بیشتر شود و در این حالت نوسانات تولید بالاتر خواهد بود. علاوه بر این، یک افزایش غیرمنتظره در قیمت نفت باعث افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود و تاثیر آن بر هزینه‌های سرمایه‌ای بیشتر از هزینه‌های جاری است. اگر اثر گذاری شوک قیمت نفت از مسیر هزینه‌های جاری باشد، رشد غیرنفتی بیشتر است. زمانی که دولت بزرگتر است، افزایش هزینه‌های دولت و تولید غیرنفتی، در پاسخ به افزایش غیرمنتظره قیمت نفت بیشتر خواهد بود. بنابراین، زمانی که اقتصاد بزرگتر است، نوسانات قیمت نفت باعث نوسان بیشتر در محصولات غیرنفتی می‌شود.

در پاسخ به یک شوک مثبت قیمت نفت، هزینه‌های سرمایه‌ای بیشتر از هزینه‌های جاری افزایش می‌یابد. با این حال، رشد غیرنفتی زمانی که شوک قیمت نفت از طریق هزینه‌های جاری منتقل می‌شود نسبت به زمانی که از طریق هزینه‌های سرمایه‌ای انتقال می‌یابد، بیشتر است. به طور مشابه، شوک قیمت نفت، هنگامی که از کانال هزینه‌های جاری منتقل می‌شود، بخش عمده‌ای از نوسانات تولید غیرنفتی را توضیح می‌دهد.

منبع: صندوق بین المللی پول